

◊ فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ

سال دوم. شماره ششم. زمستان ۱۳۸۹

صفحات: ۶۷-۵۵

تاریخ وصول: ۱۳۹۰/۳/۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۷/۳

## رابطه هوش معنوی و هوش اجتماعی با اضطراب مرگ زنان سالمند

فرح نادری\*

خدیجه روشنی\*\*

### چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه هوش معنوی و هوش اجتماعی با اضطراب مرگ زنان سالمند شهر اهواز بود. نمونه پژوهش ۱۰۰ نفر بودند که با روش مرحله ای انتخاب شدند. برای اندازه گیری متغیرها از مقیاس هوش معنوی ISIS، مقیاس هوش اجتماعی ترومسو و مقیاس اضطراب مرگ کالت لسترا استفاده شد. طرح تحقیق از نوع همبستگی بود. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از روش همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیری استفاده شد. نتایج نشان داد که بین هوش معنوی و اضطراب مرگ سالمندان رابطه معنی داری وجود دارد. اما بین هوش اجتماعی و اضطراب مرگ سالمندان رابطه معنی داری به دست نیامد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که از میان متغیر های پیش بین تنها متغیر هوش معنوی پیش بینی کننده اضطراب مرگ بود.

کلید واژگان: هوش معنوی، هوش اجتماعی، اضطراب مرگ، زنان سالمند

\* استادیار گروه روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات خوزستان، اهواز، ایران.

\*\* گروه روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهواز، ایران.

## مقدمه

جمعیت جهان در شرایط قابل ملاحظه ای در حال پیر شدن است و اگر سخن تام کروک وود<sup>۱</sup> سالمند شناس<sup>۲</sup> به حق باشد، تا سال ۲۰۳۰ شمار افرادی که سن شان از صدسال در این کشور تجاوز می کند، ۳۵۰۰۰ نفر خواهد بود (واگن<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲، به نقل از ارباچ<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳؛ ترجمه خدابخشی کولایی، ۱۳۸۷). روند افزایش سالمندی کشور ما را هم بی نصیب نگذاشته و براساس سرشماری مرکز آمار ایران و مطالعات انجام شده، جمعیت بالای ۶۰ سال ایران در سال ۲۰۲۱ بیش از ۱۰٪ برآورد می شود (راسل و اردلان، ۱۳۸۶). به طور کلی پدیده سالمندی از جمله مسائل مهم دوران رشد یافتگی جوامع بشری است و سالمندان گوهری گران بها در صدف زندگی و صندوقچه اسرار تاریخ به شمار می آیند. اما سالمندی، علی رغم آنکه بخش مهمی از زندگی هر انسان است و همه افراد آن را تجربه خواهند کرد، می تواند در زنان و مردان واکنش های متفاوتی را نسبت به این دوره از زندگی برانگیزاند. «هرگز از یک خانم سنش را نپرسید». این عبارت اشاره می کند به ساختارهای فرهنگی و پندارهایی که زنان در مورد سالمندی دارند (بارت و رایینز<sup>۵</sup>، ۲۰۰۸). تحقیقات نشان می دهد که زنان در قیاس با مردان اضطراب بیشتری را نسبت به این دوره از زندگی تجربه می کنند که این می تواند ناشی از نگرانی های مختلف آنها باشد (ابرامسن و سیلوراستین<sup>۶</sup>، ۲۰۰۶؛ کامینگ، کراپ و دویور<sup>۷</sup>، ۲۰۰۰؛ لینچ<sup>۸</sup>، ۲۰۰۰). ترس از تنهایی، بیماری، ناتوانی و... باعث می گردد که غالب زنان از سالمندی بهرسانند و به گونه ای از آن بگریزند. اما معنویت، که فاکتور برجسته ای در زندگی اکثر سالمندان به شمار می رود و پرداختن به فعالیتهای مذهبی در زنان سالمند بیش از سالمندان مردان گزارش شده است (مک فدن<sup>۹</sup>، ۱۹۹۵). در سالمندی پرداختن به معنویات نسبت به سایر دوره های زندگی پررنگ تر می شود و معنویت که به اعتقاد ایمونز<sup>۱۰</sup> می تواند به عنوان شکلی از هوش در نظر گرفته شود، بر توانایی هایی اشاره دارد که افراد را قادر می سازد تا مشکلاتشان را حل کنند و به اهدافشان برسند. در سال های اخیر به همت تلاش های دو تن از محققین برجسته به نام های زحر و مارشال<sup>۱۱</sup> مفهوم هوش معنوی<sup>۱۲</sup> مطرح شد، نوعی هوش که به وسیله آن می توان مشکلات معنا و ارزش را حل کرد. هوشی که ما را قادر می سازد تا زندگی مان را به صورت گسترده تر و غنی تر به شکل معنا بخشیدن به مفاهیم قراردادده و مسیر فعالیت هایمان را تشخیص دهیم به گونه ای که مسیر زندگی مان پررنگ تر از دیگران شود

۱. Tom Kirkwood
۲. Gerontologist
۳. Vaughan
۴. Orbach
۵. Barrett & Robbins
۶. Abramson & Silverstein
۷. Cummings, Kropf & DeWeaver
۸. Lynch
۹. Mcfadden
۱۰. Emmons
۱۱. Zohar & Marshal
۱۲. Spiritual Intelligence

(زحر و مارشال، ۲۰۰۰). تونی بوزان<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) هوش معنوی را به عنوان یکی از هفت نوع هوش فرض کرده و آن را به عنوان آگاهی از دنیا و جایگاه انسان در دنیا شرح می دهد. لوین<sup>۲</sup> (۲۰۰۰) نیز استدلال می کند که هوش معنوی زمانی نمایان می شود که ما زندگی مان را با معنویت کامل سپری کنیم.

علاوه بر معنویت روابط اجتماعی نیز در دوره سالمندی شکل دیگری به خود می گیرد و پژوهش های مختلف تاثیر افزایش ارتباطات اجتماعی در ارتقاء بهداشت روان سالمندان را مورد بررسی قرار داده اند. (لوی<sup>۳</sup>، ۱۹۸۵؛ دار<sup>۴</sup>، ۲۰۰۰؛ تولمن و دریکاپ<sup>۵</sup>، ۲۰۰۰) و هوش اجتماعی<sup>۶</sup> به عنوان یکی دیگر از انواع هوش که در سال های اخیر به آن پرداخته شده و اولین بار توسط ثراندیک<sup>۷</sup> مطرح شد نشان دهنده قابلیت ها و توانایی های فردی است که به خوب کنار آمدن با دیگران و روابط اجتماعی موفق منجر می شود (برادبری و گریوز، ترجمه ابراهیمی، ۱۳۸۷). این هوش علت توفیقات ما در ارتباطات اجتماعی است و با آموزش و مطالعه به دست نیامده، هر چند که می توان در طی دوران کودکی و حتی بزرگسالی آن را پرورش داد. (گلمن، ۲۰۰۶؛ به نقل از حاجی زاده، ۱۳۸۷). در تعریف هوش اجتماعی درباره یک طبقه کلی صحبت می شود، یعنی ظرفیت انسان برای درک آن چه که در دنیا رخ می دهد و پاسخ به آن به شیوه مؤثر شخصی و اجتماعی (لیورگود<sup>۸</sup>، ۲۰۰۹). کارل آلبرت<sup>۹</sup> (۲۰۰۴) هوش اجتماعی را عبارت از خوب برخورد کردن با دیگران و به دست آوردن همکاری آن ها می داند و معتقد است که این هوش شامل آگاهی از موقعیت ها و سیستم رفتار اجتماعی است که آن ها را کنترل می کند و یک دانش از سبک های تعامل و استراتژی هایی است که می تواند به یک شخص در به انجام رساندن اهدافش در برخورد با دیگران کمک کند. دانیل گلمن<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۷) نیز معتقد است که هوش بین فردی یا هوش اجتماعی یعنی مهارت عاطفی که برای حفظ ارتباط های نزدیک در دوستی ها، ازدواج یا ارتباط شغلی، اساسی است. این مهارت ها در کودکی جوانه می زند و در طول زندگی شکوفا می شود.

انسان با سایر مخلوقات در تولد، بیماری، جوانی، بلوغ، سالخوردگی و مرگ سهم است ولی از میان همه جانداران تنها انسان است که به عنوان موجودی هوشمند می داند که روزی خواهد مرد و تنها انسان است که قادر است پایان کار خویش را به انتظار کشد. آگاه است از اینکه بالاخره زمان مرگش

۱. Tony Buzan

۲. Levin

۳. Levy

۴. Dhar

۵. Tullmann & Dreacup

۶. Social Intelligence

۷. Thorndike

۸. Livergood

۹. Karl Albercht

۱۰. Daniel Goleman

فرا خواهد رسید و تدابیر و دوراندیشی های خاصی به خرج می دهد تا از خود در برابر خطر نابودی محافظت کند (الیاس<sup>۱</sup>، ترجمه مهرگان و نجفی، ۱۳۸۵). اما مرگ پدیده بیگانه ای نیست که از بیرون به قلمرو حیات تجاوز کند. مرگ تصادف نیست بلکه یک قانون است که از همان ابتدای حیات با زندگی پیوستگی دارد. به این ترتیب، انسان را از تفکر در باب مرگ و کوشش برای شناخت آن گریزی نیست، اما این تفکر در باب مرگ بهایی دارد که انسان باید پردازد و آن سپری کردن عمری در سایه ترس از مرگ است. ترس از مرگ، هراس از ناشناخته ها نیست و معنای آن بسیاری از ترس های موجود در زندگی راهم که در محرومیت ها و شکست ها انعکاس می یابند، دربر می گیرد. (معتمدی، ۱۳۸۶). اضطراب مرگ صرفاً یک اضطراب دور دست نیست که در پایان راه به انتظار ما نشسته باشد. اضطراب نهفته ای است که به نهانگاه های احساس رخنه می کند تا جایی که گویی طعم مرگ را در همه چیز می چشیم. در اواخر بزرگسالی، سالخوردگان به مرگ می اندیشند و در باره آن صحبت می کنند. آن ها از تغییرات جسمانی، میزان بالاتر بیماری و معلولیت و از دست دادن خویشاوندان و دوستان، شواهد بیشتری برای مرگ به دست می آورند. تجربه کردن مقداری اضطراب در باره مرگ طبیعی است. اما مانند سایر ترس ها، چنانچه این اضطراب خیلی شدید باشد سازگاری کارآمد را تضعیف می کند (برک<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱؛ ترجمه سید محمدی، ۱۳۸۷).

در زمینه ارتباط هوش معنوی و هوش اجتماعی با اضطراب مرگ، به جهت جدید بودن سازه های هوش معنوی و هوش اجتماعی، پژوهشی یافت نشد که به طور مستقیم به بررسی رابطه این متغیرها با اضطراب مرگ پردازد. لذا به تحقیقات انجام شده در رابطه با متغیرهای مورد نظر اشاره می شود. جین و پارویت<sup>۳</sup> در سال (۲۰۰۶) به مقایسه هوش معنوی افراد سالخورده مقیم سرای سالمندان با سالمندان ساکن خانه پرداختند. نتایج نشان داد که بین این دو گروه از نظر هوش معنوی، تفاوت معناداری وجود ندارد. ولی در بسیاری از حوزه های هوش معنوی مثل: خدا، مذهب، ارتباطات درون فردی، توانایی غلبه بر رنج و توانایی داشتن هوش معنوی در باره مرگ تفاوت معنادار است. دپاولا<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۰۳) در مطالعه ای رابطه میان اضطراب مرگ، نگرش در مورد بزرگسالان و اضطراب شخصی نسبت به پیری خود را در بین زنان و مردان مسن، بررسی کردند. نتیجه پژوهش نشان داد که نگرش های منفی نسبت به بزرگسالان دیگر، توسط اضطراب های شخصی نسبت به پیری و مرگ، به خصوص ترس از ناشناخته ها پیش بینی شد. زنان نسبت به هممتایان مرد خود، امتیازات بیشتری را در خرده مقیاس های ترس از مرده و ترس چند بعدی از مرگ کسب کردند. در تحقیقی سهیل و اکرم<sup>۵</sup> (۲۰۰۲) به بررسی رابطه اضطراب مرگ با جنسیت، سن و دینداری پرداختند. نتیجه تحقیق نشان داد که زنان، آزمودنی های مسن تر و نیز آزمودنی هایی که اعتقادات مذهبی ضعیف

۱. Elyas

۲. Berk

۳. Jain & Purohit

۴. Depaola

۵. Suhail & Akram

تری داشتند نسبت به مرگ قریب الوقوع ترس بیشتری را گزارش کردند. همچنین زنان و آزمودنی هایی که اعتقادات ضعیف تری داشتند نسبت به دیگر هم‌تایان خود در مورد ابعاد مختلف مرگ، مثل کوتاهی زندگی، انزوای کامل در اثر مرگ، ترس از نیستی و متلاشی شدن بدن پس از مرگ، اضطراب بیشتری نشان دادند.

المر، مک دونالد و فریدمن<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) مطالعه ای را در مورد ارتباط معنویت و سلامت بررسی کردند و دریافتند که هوش معنوی باعث می شود که میزان بیماری کاهش یافته و طول عمر افزایش می یابد. به نظر می رسد افرادی که به معنویت تمایل دارند به هنگام مواجهه با آسیب و تروما به درمان بهتر پاسخ می دهند و بهتر برخورد می کنند و میزان افسردگی کمتری دارند.

لطفی و سیار (۱۳۸۷) در تحقیقی به بررسی رابطه بین هوش معنوی و سلامت روان افراد بالای ۱۵ سال شهرستان بهشهر پرداختند. در این تحقیق نمونه ای به حجم ۳۵۰ نفر (زن و مرد) انتخاب شدند و به پرسشنامه های هوش معنوی ۱۴ سوالی و سلامت عمومی<sup>۲</sup> (GHQ ۲۸) سوالی پاسخ دادند. نتایج نشان داد که بین هوش معنوی و سلامت روانی رابطه معنی داری وجود دارد. بین هوش معنوی مردان و زنان تفاوت معنی داری وجود ندارد و اینکه بین مردان و زنان در این پژوهش از نظر سلامت روانی با هم تفاوت معنی داری وجود دارد.

عابدی و سرخی در سال ۱۳۸۷ برای بررسی رابطه بین هوش معنوی و صفات شخصیتی (با استفاده از پرسشنامه پنج عاملی) در جمعیت سنین ۵۰-۱۹ سال شهر ساری پژوهشی انجام دادند که نتایج حاصل از آن نشان داد که: بین هوش معنوی و روان نژندی رابطه معنی دار منفی وجود دارد. بین هوش معنوی و عامل های شخصیتی برونگرایی و با وجدان بودن رابطه معنی دار مثبت وجود دارد. بین هوش معنوی و انعطاف پذیری و دلپذیر بودن رابطه معنی دار وجود ندارد.

سروندیان و حسن پور (۱۳۸۲) در یک پژوهش به مقایسه احساس تنهایی و ترس از مرگ بین زنان و مردان سالمند ساکن شهرستان اهواز پرداختند. برای انجام این پژوهش نمونه ای به حجم ۶۰ نفر (۳۰ زن و ۳۰ مرد) با روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. نتیجه پژوهش نشان داد که بین ترس از مرگ و احساس تنهایی زنان و مردان سالمند تفاوت معنی داری وجود دارد.

در زمینه هوش اجتماعی، حاجی زاده و نادری طی پژوهشی (۱۳۸۷) پس از اعتباریابی مقیاس هوش اجتماعی، به بررسی رابطه هوش اجتماعی با شادکامی و پرخاشگری در دانشجویان دانشگاه آزاد اهواز پرداختند. در این پژوهش ۴۰۰ دانشجوی زن و مرد که به صورت نمونه گیری تصادفی طبقه ای انتخاب شدند، شرکت داشتند. نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان داد که بین هوش اجتماعی و شادکامی رابطه مثبت و معنی داری و بین هوش اجتماعی و پرخاشگری رابطه منفی و معنی داری وجود دارد.

۱. Elmer, MacDonald & Friedman

۲. General Health Questionnaire

در پژوهشی میجس<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۸) تأثیرات هوش اجتماعی و هوش شناختی را بر میزان محبوبیت نوجوانان مدسه از طریق سنجش پیشرفت تحصیلی مقایسه کردند. به این منظور ۵۱۲ نفر که بین ۱۳-۱۴ سال داشتند از مدارس حرفه ای و آموزشکده‌های مقدماتی در شمال غرب اروپا انتخاب شدند. مشاهده شد که محبوبیت به طور معنی داری با هوش اجتماعی مرتبط است اما در هر دو مدرسه با پیشرفت تحصیلی ارتباطی نداشت جامعه سنجی مرتبط با محبوبیت علاوه بر آنکه از طریق تعامل بین پیشرفت تحصیلی و هوش اجتماعی پیش بینی می‌شد بافت مدارس هم آن را تعیین می‌کرد. در حالیکه دانش آموزان آموزشکده‌های مقدماتی محبوبیت جامعه پسندی را با برتری اجتماعی و علمی به دست می‌آوردند، دانش آموزان مدارس حرفه ای یا از کارهای خوب اجتماعی فایده می‌بردند یا تحصیلی نه ترکیب هر دو آنها. رشد روز افزون سالمندان که به اعتقاد برخی ناظران به عنوان بزرگترین منبع طبیعی گاه مورد غفلت قرار می‌گیرند و توجه به سالمندی به عنوان برهه ای از زندگی که یا در حال سپری کردن آن هستیم و یا در آینده آن را سپری خواهیم کرد و توجه به جمعیت فزاینده زنان سالمند نسبت به مردان و در نظر گرفتن این امر که سالخوردگان به ویژه زنان سالمند در مقایسه با سایر گروه‌های سنی بیشتر به مرگ می‌اندیشند و نگران آن هستند لزوم توجه به عواملی را ایجاب می‌کند، که می‌تواند میزان اضطراب مرگ را در این گروه از افراد کاهش دهد. شواهد حاکی از آن است که معنویت می‌تواند در کاستن از اضطراب مرگ کمک کند و با توجه به آنکه معنویت به عنوان نیاز فطری انسان در خلال بزرگسالی افزایش می‌یابد و سالمندان در این دوره احساس معنویت پخته تری را پرورش می‌دهند و توجه به این امر که انسان به عنوان یک موجود اجتماعی که هوشمند بودنش از وجوه تمایزش با سایر موجودات محسوب می‌شود و ناگزیر از داشتن زندگی اجتماعی است، لذا در این پژوهش رابطه هوش معنوی و هوش اجتماعی با اضطراب مرگ زنان سالمند مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### فرضیه‌های پژوهش

- بین هوش معنوی و اضطراب مرگ زنان سالمند رابطه وجود دارد.
- بین هوش اجتماعی و اضطراب مرگ زنان سالمند رابطه وجود دارد.
- بین هوش معنوی و هوش اجتماعی با اضطراب مرگ زنان سالمند رابطه چندگانه وجود دارد.

### روش پژوهش

این پژوهش یک مطالعه توصیفی - همبستگی بود. نمونه آماری این تحقیق را ۱۰۰ نفر از زنان سالمند شهر اهواز با محدوده سنی ۶۵ سال و بالاتر تشکیل دادند که با روش نمونه گیری مرحله ای انتخاب شدند. بدین ترتیب که از مناطق هشت گانه شهر اهواز چهار منطقه و از بین کانون‌های بازنشستگان موجود در این مناطق چهار کانون به صورت تصادفی انتخاب شده و پس از دریافت لیست بازنشستگان موجود در کانون‌ها آزمودنی‌ها به صورت تصادفی انتخاب شدند.

۱. Meijs

## ابزارهای پژوهش

مقیاس هوش معنوی (ISIS)<sup>۱</sup>: این مقیاس یک ابزار خود گزارشی است که توسط امرام و درایر<sup>۲</sup> در سال ۲۰۰۷ ساخته شد و شامل دو فرم کوتاه و بلند است که فرم بلند آن ۸۳ آیتم و فرم کوتاه آن شامل ۴۴ آیتم است که با افزودن یک سؤال ملاک به آیتم‌های فرم کوتاه در مجموع، فرم کوتاه این پرسشنامه ۴۵ آیتم دارد. در پژوهش حاضر برای اولین بار اعتبار و پایایی فرم کوتاه این مقیاس در جامعه سالمندان محاسبه شد. اعتبار همزمان این مقیاس با مقیاس نگرش مذهبی برابر ۰/۴۱ در سطح معناداری  $P < ۰/۰۰۰۱$  به دست آمد. همچنین ضریب همبستگی مقیاس هوش معنوی با پرسش ملاک محاسبه گردید و مشخص گردید که رابطه معنی داری بین پرسش نامه هوش معنوی و خرده مقیاس‌های آن با پرسشنامه ملاک وجود دارد ( $r=۰/۵۷$  و  $p < ۰/۰۰۰۱$ ). پایایی این مقیاس نیز در پژوهش حاضر از طریق روش آلفای کرونباخ و تنصیف محاسبه شد.، مقادیر ضرایب برای کل مقیاس به ترتیب برابر با ۰/۸۸ و ۰/۷۵ می باشد.

مقیاس هوش اجتماعی ترومسو<sup>۳</sup>: این مقیاس توسط سیلورا، مارتینوسن و دال<sup>۴</sup> در سال ۲۰۰۱ ساخته شد و شامل ۲۱ آیتم است. سازندگان این مقیاس، اعتبار و پایایی آن را در نروژ محاسبه نمودند. در ایران برای اولین بار نادری و حاجی زاده (۱۳۸۷) به منظور بررسی اعتبار و پایایی مقیاس مذکور، آن را به طور همزمان با مقیاس هوش هیجانی بر روی دانشجویان دانشگاه آزاد واحد اهواز اجرا کردند. ضریب همبستگی برای کل مقیاس برابر  $r=۰/۶۰$  به دست آمد. ضرایب پایایی هوش اجتماعی با استفاده از روش آلفای کرونباخ و تنصیف محاسبه گردید که به ترتیب ۰/۸۳ و ۰/۸۰ بود و بیانگر پایایی قابل قبول مقیاس مذکور است. در پژوهش حاضر برای محاسبه اعتباریابی این مقیاس به طور همزمان با مقیاس هوش هیجانی اجرا شد که ضریب اعتبار همزمان آن با هوش هیجانی  $r=۰/۶۵$  و  $P < ۰/۰۰۰۱$  و ضریب پایایی آن با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۸ به دست آمد.

مقیاس اضطراب مرگ کالت - لستر<sup>۵</sup> (CL-FODS): مقیاس بازنگری شده اضطراب مرگ کالت - لستر یک ابزار خود سنجی ۳۲ آیتمی است که برای اندازه گیری میزان ترس و اضطراب مربوط به مرگ می باشد. فرم ابتدایی این مقیاس توسط کالت و لستر (۱۹۶۹) طراحی شد و در ایران برای اولین بار طی پژوهشی اسماعیلی و نادری (۱۳۸۷)، فرم تجدید نظر شده این مقیاس را روی نمونه ای به حجم ۲۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، اجرا کردند که ضریب پایایی آن، از طریق دو روش آماری آلفای کرونباخ و تنصیف به ترتیب برابر ۰/۸۹ و ۰/۶۸ و اعتبار همزمان این مقیاس با مقیاس اضطراب مرگ تمپلر<sup>۶</sup> (۱۹۷۰) برابر ۰/۵۷ در سطح معناداری  $P < ۰/۰۰۰۱$  به دست آمد که

۱. Integrated Spiritual Intelligence Scale

۲. Amram & Dryer

۳. Tromso Social Intelligence Scale

۴. Silvera , Martinussen ,Dahl

۵. Collet - Lester - Fear Of Death Scale

۶. Templer Death Anxiety Scale

بیانگر اعتبار قابل قبول این پرسشنامه است. در پژوهش حاضر نیز به منظور تعیین اعتبار و پایایی، این مقیاس به طور همزمان با مقیاس اضطراب مرگ تمپلر اجرا شد که ضریب اعتبار همزمان  $r = 0/57$  و  $P < 0/0001$  و ضریب پایایی آن با روش آلفای کرونباخ  $0/93$  به دست آمد.

### یافته‌های پژوهش

#### جدول ۱: ضرایب همبستگی ساده بین هوش معنوی با میزان اضطراب مرگ زنان سالمند

متغیر پیش بین	متغیر ملاک	شاخص آماری آزمودنی	ضریب همبستگی	سطح معنی داری	تعداد
هوش معنوی	میزان اضطراب مرگ	زنان	-0/42	0/0005	100

همانطور که در جدول شماره (۱) مشاهده می شود نتایج نشان دهنده وجود یک رابطه معنی دار بین هوش معنوی با میزان اضطراب مرگ در زنان سالمند است ( $p \leq 0/0005$  و  $r = -0/42$ ). به عبارتی، بالا بودن سطح هوش معنوی نشانگر میزان پایین اضطراب مرگ در نمونه زنان سالمند است. بنابراین فرضیه اول تایید شد.

#### جدول ۲: ضرایب همبستگی ساده بین هوش اجتماعی با میزان اضطراب مرگ زنان سالمند

متغیر پیش بین	متغیر ملاک	شاخص آماری آزمودنی	ضریب همبستگی	سطح معنی داری	تعداد
هوش اجتماعی	میزان اضطراب مرگ	زنان	15/0	0/09	100

یافته های به دست آمده از این پژوهش که در جدول شماره ۲ ذکر گردیده بیانگر آن است که بین هوش اجتماعی با میزان اضطراب مرگ در زنان سالمند رابطه معنی داری وجود ندارد. ( $p \leq 0/09$  و  $r = 0/15$ ). به عبارتی، میزان هوش اجتماعی نشانگر معنی داری برای میزان اضطراب مرگ در زنان سالمند نمونه نمی باشد. بنابراین فرضیه دوم تایید نگردید.

**جدول شماره ۳: ضرایب همبستگی چندگانه بین هوش معنوی و هوش اجتماعی با میزان اضطراب مرگ زنان سالمند با روش الف: ورود یا Enter و ب: مرحله ای یا stepwise**

ضرایب رگرسیون (β)		نسبت F احتمال P	ضریب تعیین (A)RS)	همبستگی چندگانه MR	شاخصهای آماری متغیرهای پیش بین	الف میزان اضطراب مرگ
هوش اجتماعی	هوش معنوی					
-	$\beta = -0.28$ $T = -5.8$ $p = 0.04$	$F = 3.75$ $p = 0.005$	0.156	0.42	هوش معنوی	میزان اضطراب مرگ
$\beta = 0.09$ $T = 0.79$ $P = 0.34$	$\beta = -0.24$ $T = -4.30$ $p = 0.03$	$F = 2.83$ $P = 0.06$	0.18	0.43	هوش اجتماعی	
ضرایب رگرسیون (β)		نسبت F احتمال P	ضریب تعیین تعدیل شده (A)RS)	همبستگی چندگانه MR	شاخصهای آماری متغیرهای پیش بین	ب متغیر ملاک
هوش معنوی						
$\beta = -0.28$ $T = -5.8$ $p = 0.04$		$F = 3.75$ $p = 0.005$	0.156	0.42	هوش معنوی	اضطراب مرگ

آنچنان که در جدول شماره (۳) نشان داده شده است، نتایج به دست آمده از تحلیل رگرسیون در کل نمونه سالمندی با روش هم زمان یا ورود یعنی Enter (قسمت الف) حاکی از آن است که بین هوش معنوی، هوش اجتماعی با میزان اضطراب مرگ رابطه چند گانه وجود دارد ( $MR = 0.43$  و  $RS = 0.18$ ). با توجه به ضریب تعیین ( $RS A$ ) مشخص گردید که ۱۸٪ واریانس میزان اضطراب مرگ به طور همزمان توسط متغیرهای پیش بین یعنی هوش معنوی و هوش اجتماعی قابل پیش بینی می باشد. بنابر این فرضیه سوم تایید شد. در قسمت (ب) جدول مذکور نتایج نشان می دهد که تنها یکی از متغیرهای مستقل یعنی سطح هوش معنوی در پیش بینی متغیر ملاک نقش معنی داری را ایفاء می کند.

### بحث و نتیجه گیری

نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول مبنی بر رابطه بین هوش معنوی و اضطراب مرگ زنان سالمند تأیید گردید ( $r = -0.42$  و  $p \leq 0.005$ ). به عبارتی، بالا بودن سطح هوش معنوی نشانگر میزان پایین اضطراب مرگ در نمونه زنان سالمند است. یافته های به دست آمده از این پژوهش با یافته های قبلی جین و پارویت (۲۰۰۶) و سهیل و اکرم (۲۰۰۲) همخوانی دارد. با توجه به اینکه مفهوم هوش معنوی یک سازه نسبتاً جدید روان شناختی است و پژوهش های انجام شده در این زمینه بسیار محدود است پژوهشی یافت نشد که به طور مستقیم به بررسی رابطه هوش معنوی و اضطراب مرگ پردازد اما از همان ابتدا مرگ کانون اصلی خرافات و باورهای گوناگون قرار گرفته و بشر برای رویارویی با این پدیده

ناشناخته و هر اسناک به مذهب و فلسفه پناه برده و با توسل به علم و هنر تحمل آن را آسانتر کرده است (معمدی، ۱۳۸۶). معنویت ترس از مرگ را کاهش می‌دهد و هوش معنوی زمانی نمایان می‌شود که فرد زندگی اش را با معنویت کامل سپری می‌کند (لوین، ۲۰۰۰). افرادی که دارای معنویت درونی شده و فعال می‌باشند و از حس اخلاقی و نوع دوستی قوی برخوردارند و انگیزه اصلی خود را در انسان بودن و حفظ کرامت او به منظور تقرب به درگاه خداوند جستجو می‌کنند، با روی آوردن به معنویات، سلامت خود و دیگران را حفظ می‌نمایند. (شریفی در آمدی، ۱۳۸۶) معنویت در خلال بزرگسالی افزایش می‌یابد به گونه ای که اضطراب مرگ در بزرگسالانی که ایمان راسخ به نیرو یا موجودی عالی دارند بسیار کم است و سالمندی دوره ای است که سالمندان احساس معنویت پخته تری را پرورش می‌دهند یعنی با آگاهی از این موضوع که زندگی در آینده نزدیک به پایان می‌رسد فعالانه معنی عالیتری را در آن می‌جویند. معنویت با مذهب همپوشی دارد و سطوح مذهبی بودن در افراد پیر و جوان می‌تواند به طور عمیقی اضطراب مرگی را که فرد در طول زندگی تجربه می‌کند تحت تأثیر قرار دهد. برخورداری از فلسفه شخصی پیشرفته درباره مرگ نیز ترس را کاهش می‌دهد به این ترتیب، افرادی که دیدگاه مذهبی متزلزلی دارند مرگ را ترسناکتر می‌دانند. (برک، ۲۰۰۱؛ ترجمه سید محمدی، ۱۳۸۷) ادراک ناقص انسان از مذهب و خدا و آموزه های نادرست سبب می‌گردد که او مرگ را به منزله ورود به دنیایی پر از درد و رنج تصور کرده و به این دلیل از مرگ بهراسد.

نتایج حاصل از فرضیه دوم مبنی بر رابطه بین هوش اجتماعی و اضطراب مرگ زنان سالمند تأیید نگردید ( $p \leq 0/09$  و  $r = 0/15$ ). و این نشان می‌دهد بین هوش اجتماعی و اضطراب مرگ نمونه زنان سالمند رابطه معنی داری وجود ندارد. با توجه به بدیع بودن موضوع هوش اجتماعی پژوهشی یافت نشد که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم با موضوع تحقیق مرتبط باشد اما شکی نیست که زندگی اجتماعی یک ضرورت حتمی و قطعی است و آدمی را گریزی از آن نیست. همین نیرویی که انسان را به زندگی جمعی فرا می‌خواند و همان اهداف و انگیزه هایی که پذیرش زندگی را برای وی تسهیل می‌نماید، آدمی را به برنامه ریزی و شکل دادن به روابط بین اعضای جامعه دعوت می‌کند تا نیل به آن اهداف ممکن گردد. اما با افزایش سن در معاشرتی بودن اندکی افت پیدا می‌شود و شاید این بیانگر محدود شدن تماسهای اجتماعی سالخوردگان باشد زیرا با مرگ اعضای خانواده و دوستان، روابط آنها بیشتر گزینشی می‌شود (برک، ۲۰۰۱؛ ترجمه سید محمدی، ۱۳۸۷). طبق نظریه کناره گیری اجتماعی نیز وقتی که سالخوردگان در انتظار مرگ هستند عقب نشینی متقابلی بین آنها و جامعه صورت می‌گیرد. سالخوردگان سطح فعالیت خود را کاهش می‌دهند و کمتر تعامل می‌کنند و بیشتر سرگرم دنیای درونی خود می‌شوند. (احدی و جمهری، ۱۳۸۶) همچنین تفکر در باب مرگ در دوره سالمندی امری بدیهی و عمومی است و بسیاری از سالمندان در برابر واقعیت به سر رسیدن زندگی خویش به نوعی پذیرش دست می‌یابند. (معمدی، ۱۳۸۶) از طرفی از آنجا که نمونه مورد نظر افرادی بودند که دوران میانسالی یا اواخر جوانی شان را در شرایط پر تنش جنگ سپری کرده بودند. وجود این شرایط منجر

به کاهش ظرفیت آنها برای درک ارتباطات عادی می‌گشت. بنابراین جنگ، عدم وجود جامعه مدنی پایدار و فقدان نظام‌های آموزشی که بتواند ما را در جهت درک روابط اجتماعی به صورت سیستماتیک آموزش دهد باعث شده که با گذشت سالها و رسیدن به مراحل سالمندی این سازه (هوش اجتماعی) به شکل منسجمی تکمیل نیافته لذا وجود رابطه این سازه با سازه‌های بنیادی نظیر اضطراب مرگ کمتر نمایان می‌شود.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم مبنی بر رابطه چندگانه بین هوش معنوی و هوش اجتماعی با اضطراب مرگ زنان سالمند نشان می‌دهد که تنها یکی از متغیرهای مستقل یعنی سطح هوش معنوی در پیش‌بینی متغیر ملاک نقش معنی‌داری را ایفاء می‌کند و هوش اجتماعی نقش معنادار و موثری در پیش‌بینی میزان اضطراب مرگ به عهده ندارد. در تبیین می‌توان گفت که روابط انسانی مبحثی بی‌کرانه است و برای آفرینش آن، شناخت نیازمندی‌ها و کیفیات روانی ویژه هر کس و ارضای آن از اهمیت بنیادی برخوردار است (الساندرا و کارت<sup>۱</sup>؛ ترجمه آل یاسین، ۱۳۸۶) و هوش اجتماعی خاصیت ویژه‌ای است که نشان‌دهنده قابلیت‌ها و توانایی‌های فردی است و به‌خوب کنار آمدن با دیگران و روابط اجتماعی موفق منجر می‌شود (برادبری و گریوز، ترجمه ابراهیمی، ۱۳۸۶) اما سالمندی دوره‌ای است که فرد با تحلیل قوا و کاهش فعالیت‌ها مواجه شده و تمایل دارد که از جامعه فعال کناره‌گیری نماید و این کناره‌گیری به‌طور عادی او را برای وداع با زندگی آماده می‌سازد. (احدی و جمهری، ۱۳۸۶). در واقع هنگامی که فرد به سنین سالمندی می‌رسد بسیاری از برنامه‌ها و مراحل زندگی را پشت سر گذاشته و مراحل طبیعی رشد را سپری کرده و مرگ خیلی از آنها فاصله ندارد و فکر و استنباط آن نیز پررنگ‌تر شده لذا کم‌چیزی بیگانه و خارج از قاعده محسوب نخواهد شد. همچنین سالمندی مرحله گسستن تدریجی رشته‌هایی است که فرد را با دنیا پیوند می‌دهد و تمایلش به درون‌بینی بیشتر شده و توجه بیشتری به خود و نیازهای خود دارد اما هوش معنوی با زندگی درونی ذهن و روان ارتباط دارد و به ارتباط با جهان مربوط می‌شود (وگان<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳) و با رسیدن فرد به مرحله سالمندی، تمایل به معنویات در او تقویت می‌شود و معنویت به‌عنوان یکی از نیازهای درونی انسان که در قلبها، ذهنها و آیین‌ها به‌ویژه آیین‌های مذهبی وجود دارد می‌تواند به کاهش اضطراب مرگ کمک کند. و این زمانی میسر خواهد بود که معنویت رشد یافته، سالم و سودمند باشد (شریفی در آمدی، ۱۳۸۶) و از آنجا که سالمندی مرحله گرایش به معنویات و ارتباط با یک نیروی متعالی و گسست ارتباط با دنیا است لذا از میان متغیرهای پیش‌بین تنها هوش معنوی پیش‌بینی‌کننده اضطراب مرگ خواهد بود.

۱. Elsandra & Kart

۲. Vaughan

## منابع

- احدی، حسن و جمهری، فرهاد (۱۳۸۶). روانشناسی رشد نوجوانی، بزرگسالی (جوانی، میانسالی، پیری). تهران: انتشارات پردیس.
- اریاچ، آن. (۲۰۰۳). مشاوره با سالمندان. ترجمه آناهیتا خدابخشی کولایی (۱۳۸۷). تهران: انتشارات جنگل.
- اسماعیلی شاه سید علی اکبری، الهه (۱۳۸۷). اعتباریابی مقیاس اضطراب مرگ و مقایسه میزان اضطراب مرگ، گرایش به خودکشی و رضایت از زندگی در دانشجویان زن و مرد دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز. پایان نامه کارشناسی ارشد، روانشناسی عمومی، به راهنمایی دکتر فرح نادری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.
- الیاس، نوربرت، تنهایی دم مرگ، ترجمه امید مهرگان و صالح نجفی (۱۳۸۵). چاپ دوم. تهران: انتشارات گام نو.
- الساندرا، آنتونی، کارت، جیم کت، آیین روابط مؤثر، ترجمه محمدرضا آل یاسین (۱۳۸۶). چاپ پنجم، تهران: انتشارات هامون.
- برادبری، تراویس؛ گریوز، جین، EQ چیست و چرا مهم تر از IQ است، ترجمه هادی ابراهیمی (۱۳۸۷). چاپ اول، نشر نو اندیش.
- برک، لورا. ای (۲۰۰۱). روانشناسی رشد (جلد دوم). ترجمه یحیی سید محمدی (۱۳۸۷). تهران: نشر ارسباران.
- حاجی زاده، میترا. (۱۳۸۷). اعتباریابی مقیاس هوش اجتماعی و رابطه آن با شادکامی و پرخاشگری در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز. پایان نامه کارشناسی ارشد، روان شناسی عمومی، به راهنمایی دکتر فرح نادری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.
- شریفی در آمدی، پرویز (۱۳۸۶). هوش هیجانی و معنویت. تهران: انتشارات سپاهان.
- سروندیان، ننگین و حسن پور، نسرين (۱۳۸۲). مقایسه احساس تنهایی و ترس از مرگ در زنان و مردان سالمند سرای سالمندان شهرستان اهواز در سال ۱۳۸۱-۱۳۸۲. پایان نامه کارشناسی روان شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.
- راسل، مهدی و اردلان، علی (۱۳۸۶). آینده سالمندی و هزینه های خدمات سلامت: هشدار برای نظام سلامت کشور. مجله سالمندی ایران، سال دوم، شماره چهارم، صص ۳۰۰-۳۰۵.
- عابدی، فرشته و سرخی، زهرا (۱۳۸۷). رابطه بین هوش معنوی و صفات شخصیت در بین افراد ۵۰-۱۹ سال شهر ساری. پایان نامه کارشناسی، دانشگاه پیام نور بهشهر.
- لطفی، محدثه و سیار، سمیه (۱۳۸۷). رابطه ی بین هوش معنوی و سلامت روان افراد ۱۵ سال به بالا شهرستان بهشهر. پایان نامه کارشناسی، دانشگاه پیام نور بهشهر.
- معتمدی، غلامحسین (۱۳۸۶). انسان و مرگ: درآمدی بر مرگ شناسی. تهران: نشر مرکز.

- Abramson, A., & Silverstein, M. (2006). Images of aging in America 2004: A summary of selected findings. Retrieved September 20, 2006, from [http://assets.aarp.org/rgcenter/general/images\\_aging.pdf](http://assets.aarp.org/rgcenter/general/images_aging.pdf)
- Amram, Y., & Dryer, C. (2007). The Integrated Spiritual Intelligence Scale (ISIS): Development and preliminary validation. Institute of Transpersonal Psychology, Palo Alto, CA. from: <http://www.yosiamram.net/papers>
- Albrecht, K. (2004). Social Intelligence: The new science of success, 2nd edition. Dawn Kilgore Edition states of America. Jossey-Bass Publication (2006).
- Barrett, A.E. & Robbins, C. (2008). The multiple sources of women's aging anxiety and their relationship with psychological distress. *Journal of Aging and Health*, 20 (1), 32-65.
- Buzan, T. (2001). The power of spiritual intelligence as a warning of world and your place in it. HarperCollins. Retrieved from: [http://en.Wikipedia.org/wiki/spiritual\\_intelligence](http://en.Wikipedia.org/wiki/spiritual_intelligence).
- Cummings, S. M., Kropf, N. P., & DeWeaver, K. L. (2000). Knowledge of and attitudes toward aging among non-elders: Gender and race differences. *Journal of Women & Aging*, 12, 77-91.
- Dhar, H. I. (2000). Primitive society, health and elderly. *Indian J Med Sci*, 54(2), 98-101.
- DePaola, S. J., Griffen, M., Young, J. R., & Neimeyer, R. A. (2003). Death anxiety and attitudes toward the elderly among older adults: The role of gender and ethnicity. *Death Study*, 27(4), 335-54
- Elmer, L., MacDonald, D., & Friedman, H. (2003). Transpersonal psychology, physical health, and mental health: Theory, research and practice. *Humanistic Psychologist*, 31, 159-181.
- Goleman, D. (2007). *Social Intelligence: the new science of human relationships*. New York: Random House.
- Jain, M., & Purohit, P. (2006). Spiritual intelligence: A contemporary concern with regard to living status of the senior citizens. *Journal of the Indian Academy of Applied Psychology*, 32(3), 227 - 233.
- Levin, M. (2000). *Spiritual intelligence: Awakening the power of your spirituality and intuition*. London: Hodder & Stoughton.
- Levy, M. T. (1985). Psychiatric assessment of elderly patients in the home. *J Am Geriatr Soc*, 33(3): 9-12.
- Livengood, N. D. (2009). Social Intelligence: A new definition of human intelligence. Retrieved July 5, 2009, from <http://www.hermes-press.com/socient4.htm>
- Lynch, S. (2000). Measurement and prediction of aging anxiety. *Research on Aging*, 22, 533-558.
- McFadden, S. H. (1995). Religion and well being in aging persons in an aging society. *Journal of Social Issues*, 51 (2), 161-175.
- Meijs, N., Cillessen, A. H. N., Scholte, R. H. J., Segers, E., & Spijkerman, R. (2008). Social Intelligence and academic achievement as predictors of adolescent popularity. *Behavioural Science Institute, Radboud Universiteit Nijmegen*.
- Silvera, D., Martinussen, M., & Dahl, T. (2001). The Tromsø Social Intelligence Scale, A self-report measure of social intelligence. *Scandinavian Journal of Psychology*, 42(4), 313-319.
- Suhail, K., & Akram, S. (2002). Correlates of death anxiety in Pakistan. *Death Study*, 26(1): 39-50.
- Tullmann, D. F., & Dreacup, K. (2000). Creating a healing environment for elders. *AA Cn Clin Issues*, 11(3): 34-50.
- Vaughan, F. (2003). What is spiritual intelligence? *Journal of Humanistic Psychology*, 42(2), 16-33.
- Zohar, D., & Marshal, I. (2000). *SQ: Connecting with our spiritual intelligence*. New York: Bloomsbury.

## The Relations between Spiritual Intelligence, Social Intelligence and Death Anxiety in Ahwaz Woman Seniles

\* F. Naderi

\* Kh. Roushani

### Abstract

The aim of the present study was to investigate the relationship between spiritual intelligence, social intelligence and death anxiety among woman seniles in Ahwaz .The sample included 100 subjects who were selected based on multiphase sampling. For the measurement of the variables, Integrated Spiritual Intelligence Scale (ISIS), Tromso Social Intelligence Scale (TSIS), Collet Lester Fear Of Death Scale (CI-FODS) were used. Statistical methods included Pearson correlation coefficient and regression analysis. Results indicated that there was a significant correlation between spiritual intelligence and death anxiety, but there was no significant correlation between social intelligence and death anxiety .The results of regression analysis also showed that the spiritual intelligence was the only predicting variable for death anxiety.

**Keywords:** Spiritual intelligence, Social intelligence, Death anxiety, Senile Women

---

\* Assistant Professor in Department of Psychology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Ahwaz, Iran

\*\* Department of Psychology, Ahwaz Branch, Islamic Azad University, Ahwaz, Iran